

داستانی نه تازه کرد به کار

رشته‌ای بست و رشته‌ای بگشود

حکایت ششم ابتدایی و ادامه ماجرا در دوره راهنمایی

فاطمه رضایی

«این بچه ابتدایی ماست. ما با دانش‌آموزان پانزده یا بیست سال پیش سروکار نداریم. معلم، کتاب و نحوه آموزش باید متناسب با توانایی‌ها و روحیه و دانش فرزندان امروز تغییر کند. من سال‌هاست حرفه‌وفن تدریس می‌کنم. کتاب کار و فناوری بچه‌های ششم ابتدایی را دیده‌ام. مهارت‌های خوبی را آموزش می‌دهد. امیدوارم به همین نسبت کتاب‌های دوره اول متوسطه سال تحصیلی ۹۲-۹۳ تغییر کند.» این‌ها سخنان خانم اسماعیلی، دبیر حرفه‌وفن بود که از تغییرات جدید استقبال می‌کند؛ به خصوص اینکه دخترش در یکی از مدارس خوب و خاص فرهنگیان (در بوشهر)، دانش‌آموز ششم ابتدایی است. با وجود این ایشسان اذعان دارند که: «همه مدارس امکانات مدرسه دختر من را ندارند و خیلی از والدین از نبودن کارگاه و وسایل و معلم متخصص در مدرسه‌ها ناراحت‌اند.»

انگشتان ظریف و کودکانه‌اش چنان چابک و ماهرانه روی صفحه گوشی بالا و پایین می‌رفت و گزینه‌ها را یکی پس از دیگری می‌زد که انگار زیر نظر شرکت سازنده دوره تخصصی دیده است. با عتاب پدر که: «گوشی بچه بازی نیست!» با دلخوری آن را تحویل داد، اما همچنان زیر چشمی پدر را می‌پایید. «ای، این رو چطوری آوردی؟» پدر متعجب سؤال کرد. کودک ابرویش را در هم کشیده بود و سعی می‌کرد لبخندش را جمع کند، نگاهش را به سمت دیگر چرخاند که «گفتید بچه بازی نیست!» پدر بیست دقیقه‌ای با آزمون و خطا درگیر کشف مسیری بود که او ظرف چند دقیقه رفته بود. دست آخر با لحنی متفاوت که انگار جمله‌ای را که قبلاً گفته به کل فراموش کرده است، دوستانه صدایش کرد که: «بیا برنامه‌ای را که آورده بودی بگو چطور آوردی؟!» و او در حالی که سر به زیر انداخته بود تا برق چشمانش، احساس قدرت و شادمانی‌اش را لو ندهد، فروتنانه مشغول راهنمایی پدر شد.



همه در هر دوره آموزشی به این نتیجه رسیده‌ایم که شرایط، امکانات و شیوه آموزش کنونی جوابگوی فرزندان امروز نیست. انتظار نداریم شوق القمری شود و آموزش و پرورش ناگهان باغ و بوستان موعود شود و ثمری بهشتی دهد. اما تغییر را در حد توان و کوشش امکانات مادی و نیروی انسانی موجود خواهیم. این تغییر هر قدر هم که کارشناسی شده و با مطالعه باشد، قبل از هر چیز به «آگاهی» نیاز دارد؛ آگاهی تک تک اعضای خانواده بزرگ آموزش و پرورش.

چرا باید همکاران احساس کنند در آستانه هر تحول، با فضایی مبهم و تاریک مواجه‌اند؛ و باید از دروازه و دالانی به شکل علامت سؤال عبور کنند؛ دست آخر هم ندانند آیا آن طرف این دالان طولانی با تغییر اساسی یا «تحول بنیادینی» روبه‌رو می‌شوند یا نه؟ چه چیز باعث این احساس ناخشنودی و ترس و ایستادگی در مقابل تغییرات هر چند مفید می‌شود؟

لازم است مسئولان و برنامه‌ریزان خوش ذوق، «ساعتی عنان عظمت کشیده دارند و سمع قبول به حرف‌های معلمان کارکشته‌ای که موی در آسیاب (یا به گج تخته!) سفید نکرده‌اند، بدهند.» اگر ساعتی را در کلاس، کنار دانش‌آموزانی که معلمشان سابقه کار آموزشی یا تدریس نداشته است بنشینند نیز خالی از فایده نباشد! آن وقت ممکن است مثل معلمان دوره راهنمایی ما، حقایق نگران‌کننده‌ای را ببینند و مثل آنان بگویند: «تو مو می‌بینی و ما پیچش مو!»

آیا برای هر تحولی، زمینه و بستر، امکانات و تجهیزاتی از پیش نباید فراهم شود؟ صحبت فقط از نبودن آزمایشگاه و کارگاه در مدرسه نیست، نبودن امکانات و رایانه و... هم مشکل نیست. اینکه مدرسه به خاطر نداشتن کلاس خالی برای پایه ششم، کتابخانه را تعطیل و تبدیل به کلاس کند هم چیزی نیست! کادر دفتری هم می‌توانند مثل خیلی از مدارس در کانکس بنشینند تا دفتر مدرسه، کلاس ششم شود. آن هم مهم نیست! اینکه در یک فراخوان از همه نیروهای مازاد و قرارداد کارمین، از دفتر دار و معاون مدرسه تا ماشین‌نویس اداره خواسته شده بیایند و معلم پایه ششم شوند، این یکی دیگر جای حرف دارد! معلمان راهنمایی که از نزدیک با ماجرا در تماس‌اند، مثل خانم مؤیدی معلم عربی و قرآن، که از همکار هم‌رشته‌اش - که به خاطر برنامه جدید و مازاد شدن در راهنمایی، معلم پایه ششم شده است - شنیده‌اند که: «علوم و ریاضی در تخصص من نیست، دوره آموزشی هم کمکی نکرده است. ما که در کار

خود خبره بوده‌ایم، امروز جلوی بچه‌ها کم می‌آوریم! بچه‌ها هم ضرر می‌کنند.» و حکایاتی مثل این، سؤالی در ذهن معلمان راهنمایی امروز می‌نشانند که:

- ما سال آینده با چه دانش‌آموزی (از نظر سواد و دانش پایه) روبه‌رو هستیم؟

- کتاب سال آینده چگونه است؟ آیا کتاب حداقل چند ماه پیش از آغاز سال تحصیلی به دست ما می‌رسد یا مثل معلمان پایه شش در طول دوره هم فقط جزوه در دست داریم؟

- آیا اصلاً کلاس و دوره‌ای برای ما خواهند گذاشت؟ این پرسش‌ها، معمول، طبیعی و قابل انتظار است، اما درد دلی صمیمانه‌تر با همکاران، ما را از «نمی‌دانم‌ها» و «چگونه‌ها»-یی که از درونشان سر به اعتراض برمی‌دارد بیشتر آگاه می‌کند. از آنجا که هر کدام با خانواده بزرگ فرهنگی خود در دوره‌های تحصیلی و استان‌های گوناگون در ارتباط هستند، هر دهان گویا، از چندین گنجینه دل آگاهمان می‌کند. با تعدادی از معلمان در مراکز سه استان حرف زدیم، انگار به مهمانی حداقل پنج و شش شهرستان کشور رفته‌ایم.

در پژوهش‌سرای دانش‌آموزی ناحیه ۲ شهر کرد، ساعتی مهمان آقای گنجی، مسئول پژوهش‌سرا، بودیم. این مرکز علاوه بر برگزاری کلاس‌های آموزشی، برنامه‌های متنوعی را برای تقویت بنیه درسی و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان به خصوص در دوره راهنمایی، ترتیب داده است. با وجود این، آقای گنجی می‌گفت:

دوره راهنمایی سال‌هاست که ضعف دارد و معلمان راهنمایی سال‌هاست مورد کم‌لطفی و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، طوری که همه سعی کرده‌اند از دوره راهنمایی برونند... سال‌های سال در راهنمایی تراکم دانش‌آموز داشتیم و مسئولان به دنبال ساختمان و معلم بودند. امروز که دانش‌آموزان کم شده‌اند، زمان آن است که روی کیفیت آموزش سرمایه‌گذاری کنند.

اما طرح جدید! ان‌شاءالله که به اندازه کافی کارشناسی شده است... خیلی عجیب بود. سال‌ها درباره ضعف زبان انگلیسی بچه‌ها بحث بود و فکر اینکه بچه‌ها یادگیری زبان را از سن پایین‌تر شروع کنند. وقتی دیدم در برنامه ششم ابتدایی زبان حذف شده است، علت آن را از مسئولان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سؤال کردم، گفتند: «چون معلم ابتدایی نمی‌تواند زبان درس بدهد!» آیا راهش حذف کردن آن است؟ الان چه نیروهایی در ششم مشغول تدریس‌اند؟!

کنیم، لازم است این کتاب قبل از شروع سال تحصیلی در دستمان باشد و دوره آموزشی لازم را بگذرانیم... اما اینکه ششمی‌ها با بچه‌های ریزجثه کلاس اولی از مدرسه بیرون می‌آیند، شکل و ظاهر جالبی ندارد!

خانم منبری، مشاور مدرسه، درباره این شکل و ظاهر غریب برای ما قدری بیشتر توضیح داد: «من با وجود آنکه بچه کلاس اولی‌ام را در مدرسه‌ای خاص (نمونه) گذاشته‌ام، نگران حضور ششمی‌ها در مدرسه‌ام، ششمی‌ها غیر از جثه بزرگشان، به خاطر شرایط سنی، در حال و هوا و عالمی هستند که بچه‌های شش ساله نیستند. چیزهایی می‌دانند که این‌ها نمی‌دانند. من مشاور چیزهایی از مسائل اخلاقی دیده و شنیده‌ام و می‌دانم که نگرانم می‌کنند... اگر اذیت شوند باید چه کنیم؟ در لرستان مدارس ابتدایی را به خاطر همین مسائل نگران کننده، دو گروه کرده‌اند. مدارس فقط اول تا سوم دارند و مدرسه‌هایی چهارم تا ششم».

و این در حالی است که یکی از اهداف برنامه نوین و شش ساله شدن دوره ابتدایی، متوجه مسائل روان‌شناسی و تربیتی است. اما آنچه که در سمت خود (مشاور) در مدرسه راهنمایی، خانم منبری را آزرده می‌کرد، این بود که: «درباره این طرح جدید دو بار برایمان جلسه گذاشته‌اند. بندهای مختلف از دفترچه مستندات تحول بنیادین را توضیح دادند. جلسات پرجمعیت بود و فقط کلیات را گفتند؛ خیلی کلی. جلسه تمام می‌شد، ما می‌ماندیم و سؤال‌هایمان! ما نمی‌توانیم جوابگوی سؤال‌های والدین باشیم که به ما مراجعه می‌کنند و نگران سال آینده

بچه‌هایشان هستند...»

در دفترچه مستندات آمده است که از اهداف این طرح، «تطبيق بچه‌های دو سه زبانه است». مگر برای این هدف پایه ششم با پنجم چه فرقی می‌کند؟ در این یک سال چه اتفاقی قرار است بیفتد؟

خانم مؤیدی، دبیر عربی و قرآن هم که مانند مشاور مدرسه نگران مسائل اخلاقی بچه‌هاست، گفت: با توجه به اهداف دوره راهنمایی و سن بلوغ دختران که در اجتماع با آن مواجه‌اند (اینترنت، فیس‌بوک و...) ترجیح می‌دادم که از سن پایین‌تر با بچه‌ها کار می‌کردیم. حالا بچه‌ها یک سال بزرگ‌تر و شکل یافته‌تر به دوره راهنمایی می‌آیند.

اما آنچه بیش از همه، در مدارس ابتدایی و راهنمایی، نقل و گفت‌وگو دارد، محتوای کتاب ریاضی است. خانم مهمنیا پور، از معلمان باتجربه و قدر این میدان، راهنمای

آقای فتاحی (نماینده مجلات رشد شهر کرد): مدارسی که به بخش نامه‌های وزارت‌خانه توجه نکرده‌اند و با استفاده از معلمان مجرب راهنمایی و متوسطه، پایه ششم را چند معلمی کرده‌اند، حتماً نتیجه بهتری می‌گیرند، مثل مدارسی در استان خراسان. خیلی از معلمان می‌گویند کتاب کار و فناوری را نمی‌توانیم آموزش دهیم. در مدارس چند پایه در روستاها مشکلات بسیار بیشتر شده است.

از آنجا که بیشتر نگرانی‌ها و تنش‌های معلمان دوره راهنمایی، انعکاس و پس‌لرزه‌های ششم ابتدایی بود، به سراغ یکی از معلمان پایه ششم در تهران در مجتمع آموزشی نابینایان دخترانه نرجس رفتیم. خانم فکری هم چاره اساسی را در توانمندسازی همکاران می‌دید: «در دوره‌ای که برایمان گذاشته بودند و می‌دیدم که خیلی از همکاران در مباحث اصلی ریاضی مشکل دارند. حضور معلم متخصص در هر درس واجب است. حتی ورزش درسی تخصصی است و مربی خاص می‌خواهد. بسیاری از همکاران ساعت ورزش را هم به درس‌های دیگر می‌دهند و می‌گویند نمی‌توانیم در ساعت ورزش مراقب سلامتی بچه‌ها باشیم! از طرف دیگر،

مگر یکی از اهداف تربیتی کودکان رشد «جامعه‌پذیری» در آن‌ها نیست؟ باید به تدریج و پایه به پایه با معلمان بیشتری ارتباط داشته باشند. دانش‌آموزان ششم ابتدایی که سال گذشته هم با همان آموزگار کار کرده‌اند، دو سال فقط یک معلم را می‌بینند و فکر می‌کنم شروع دوره راهنمایی برای آن‌ها سخت‌تر خواهد بود.

حجم کتاب، زیاد و ساعت درسی هم کم شده، که این خود فشار مضاعفی بر معلم و ضرر دیگری برای بچه‌هاست.

در ساحل گرم خلیج فارس باز به دیدار معلمان راهنمایی رفتیم؛ به مدرسه راهنمایی دخترانه شاهد «سهام خیام» در بوشهر. اخبار و حکایت‌های نه چندان خوش شش ابتدایی، نه تنها از بوشهر و شهرهای اطراف، که از استان‌های دیگر، توانسته بود این مدرسه موفق را با کادر آموزشی قدرتمندی که دارد، قدری بلرزاند.

معلم ادبیات مدرسه که قدری خوش‌بین‌تر بود و به خصوص علاقه‌مند به تغییر محتوای کتاب‌های فارسی می‌گفت: هفده سال است که پایه اول تدریس می‌کنم. وقتی کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی تغییر کرد، نیاز بود که حتماً ادبیات راهنمایی هم با قدرت و معلومات جدید بچه‌ها تغییر کند. اگر سال آینده باید کتاب جدیدی را تدریس

انتظار نداریم شق القمری شود و آموزش و پرورش ناگهان باغ و بوستان موعود شود و ثمری بهشتی دهد

همکارانش در پایه ششم شده است: «دانش‌آموزانم ابتدا یادداشتهایی از اقوام (خاله، زن دایی و...) می‌آوردند که ریاضی ششم را تدریس می‌کنند و اشکالاتی داشتند. بعد از این، دیگر تماس‌ها حضوری شد. من پی‌دی‌اف کتاب ششم را دارم. از کتاب سال اول راهنمایی پارسال سنگین‌تر است؛ به خصوص اینکه همکاران ششم ابتدایی من خودشان در مباحثی مثل انتقال و مختصات مشکل دارند. همکاران می‌توانند از عهده آن برآیند، اما یک دوره کوتاه آموزش، آن هم بدون کتاب، کفایت نمی‌کند. روش آموزش هم تغییر کرده است. درس‌های ما تخصصی است. ممکن است من با همه قدرتی که در ریاضی دارم، نتوانم علوم تدریس کنم. از طرف دیگر، بچه‌ها حافظه قدیمشان با درسی که می‌گیرند تنظیم نیست. مثلاً قبل از مختصات باید در زمینه‌هایی مثل جمع اعداد صحیح توانایی لازم را به دست آورده باشند. این‌ها به تمرین، تکرار و فرصت برای یادگیری نیاز دارند که ساعت ابتدایی هم کم شده است.

اگر قرار است بچه‌ها با نگاه و فکری جدید وارد دوره راهنمایی شوند، باید در پایه ششم چگونه اندیشیدن و تحقیق را یاد بگیرند. باید نگاه به تحقیق و تفکر و اندیشه تغییر کند. در پنج سال ابتدایی حرفی از پژوهش نیست، ناگهان سال ششم کتاب پر می‌شود از تکلیف پژوهشی! منابع تحقیق کتابخانه‌ای که در دسترس بچه‌هاست، کیفیت لازم را ندارد و وابسته به مطالب اینترنت می‌شوند. مطلبی را پیدا می‌کنند (خودشان یا والدین یا خدمات رایانه‌ای محل!) و بدون مطالعه به معلم تحویل می‌دهند. این روش تحقیق نیست، ضعف آموزش و پرورش است! بچه من در کار با رایانه از معلمش واردتر است. آموزش و پرورش شالوده فکری جامعه است. ما هنوز داریم با دانش آموز با همان روشی کار می‌کنیم که با ما کار می‌کردند. ظاهر کار عوض شده، حقیقت و کیفیت همان است. غیر از اینکه یک سال بیشتر نگره داشتن بچه در دبستان و تک معلمی بودن او، ذهنیت ابتدایی بودن را بر او حاکم می‌کند.

فکر نمی‌کنم این طرح، یک «تحول اساسی» در آموزش و پرورش باشد. یک سال از یک دوره کم شده و به دوره‌ای دیگر اضافه. حالا چرا باید بعد از پنجم ششم بیاید؟ هنوز فلسفه اضافه شدن ششم برای من معلم مشخص نیست. شاید «من» توجیه نشده‌ام!

جمله آخر خانم مهینیان پور را بارها از اکثر همکاران و اغلب والدین شنیده‌ام.

**از اینکه بچه‌ها
سال آینده یک سال
بزرگ‌تر و احتمالاً با
معلومات بیشتر به
راهنمایی می‌آیند،
خوش‌حالم**

آقای مرادی، دبیر ریاضی، با وجود آنکه از این تغییر و تحولات استقبال می‌کرد، باز معتقد بود این تحولات باید بیشتر در کیفیت کار باشد: از اینکه بچه‌ها سال آینده یک سال بزرگ‌تر و احتمالاً با معلومات بیشتر به راهنمایی می‌آیند، خوش‌حالم. کتاب ششم را دیده‌ام. از نظر کیفی و کمی تغییر کرده است، اما مهم این است که بچه‌ها چقدر ریاضی را کاربردی بلد هستند. دیپلمه ریاضی با نمره خوب اگر نتواند قناسی یک زمین را در بیاورد، فایده ندارد! ما فقط داریم محفوظاتمان را زیاد می‌کنیم. چه من معلم، چه دانش آموز.

عباراتی مثل اینکه: فلسفه این کم و زیاد شدن‌ها چیست؟ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ در دوره پیش‌دانشگاهی چه اتفاقی افتاد که حالا با حذف آن، سر جایش برگردد و درست شود؟ در نظام جدید چه اتفاقی افتاد که حالا اگر به چند دهه قبل برگردیم و شش ابتدایی برگردد، همه چیز درست می‌شود و سر جایش قرار می‌گیرد؟ لغت «تحول بنیادین» یعنی قرار است همه چیز از ریشه درست شود. اما بگویید «چی» قرار است درست شود؟ اول این را مشخص کنیم، بعد به سراغ مسائل اجرایی برویم. این آن دالان سؤال و ابهامی است که در آغاز از آن حرف می‌زدیم.

مدت زمانی که کنار معلمان مدرسه راهنمایی پسرانه «مصلحیان» در بوشهر بودیم، زیاد نبود، اما به شنیدن سال‌ها درد دل می‌مانست. آقای طاهری، مربی پرورشی مدرسه، که دخترش امسال محصل ششم ابتدایی است، این تحولات را بیشتر از آنکه بنیادین باشد، ظاهری می‌دانست:

سنگین کردن مطالب کتاب بدون درک چه فایده دارد؟ تعداد زیادی دانش آموز را با روش تدریس و ابزار سنتی در کلاس نگره می‌داریم و مواظب هستیم که از کلاس و مدرسه خارج نشوند... این کلاس برای بچه‌ها جالب نیست. بچه‌ها در زبان انگلیسی و دانش رایانه از ما جلوترند و آموزشگاه‌ها در جذب دانش‌آموزان موفق‌تر از آموزش و پرورش! باید برای توانمندسازی معلمان، تجهیز کلاس‌ها و هوشمند کردن مدارس سرمایه‌گذاری کرد و نیرو گذاشت.

از همکاری همه معلمان به خصوص نمایندگان مجلات رشد در شهر کرد و بوشهر، آقایان فتاحی و افشارپور بسیار سپاس‌گزارم.